

کتاب دانیال — یک صد و بیست و دو

انکشاف حق: دانیال 11 اور خدا کے لوگوں کی ہلا دینے والی بیداری کے ذریعے ایک سفر

Jeff Pippenger

2024-03-07

جب 1989 میں اختتام کے وقت دانی ایل باب گیارہ کی آیات چالیس سے پینتالیس کی روشنی کھولی گئی، تو حق کے دشمنوں نے ایسی مزاحمت پیش کی جس نے خدا کو یہ سچائیاں ظاہر کرنے کا موقع دیا کہ وہ دانی ایل کی کتاب کے اس حوالے کے بنیادی مقدمات کا دفاع کریں، جو پھر شیطان کے حملوں کا موضوع اور مرکز بن گیا۔ اس تاریخ میں حق اور گمراہی کے درمیان اس نزاع کو روح القدس نے بعض نبوتی اصولوں کی نشان دہی کے لیے استعمال کیا، جو اس علم میں مزید اضافہ کرنے والے تھے جو کھولا جا چکا تھا، اور جو اس کے بعد زمین کی تاریخ کی آخری نسل کو آزمانا تھا۔ ہم ”نبوت کے ثلاثی اطلاقات“ پر غور کرتے رہے ہیں، اور ان اطلاقات کو ایک ایسے بنیادی اصول کے طور پر شناخت کرتے ہیں جو اُن گزشتہ ایام میں شیطان کی جانب سے پیش کی گئی مزاحمت کے عمل کے ذریعے ظاہر کیا گیا تھا۔ اس متنازعہ عمل کو سسٹر واٹ نے ”جھنجھوڑ“ کے نام سے موسوم کیا ہے۔

» بہ تدبیر الہی در میان قوم او متوجہ شدم و بہ من نشان داده شد کہ ہر آزمائشی کہ در فرایند تصفیہ و تطہیر بر مسیحیان معترف وارد می آید، ثابت می کند کہ برخی از ایشان تفالہ اند۔ طلای ناب ہمیشہ آشکار نمی شود۔ در ہر بحران دینی، بعضی در زیر وسوسہ سقوط می کنند۔ تکان دادن خدا انبوهی را همچون برگ های خشک بہ کناری می روید۔ کامیابی، جماعتی عظیم از معترفان را فزونی می بخشد۔ سختی، آنان را از کلیسا پالایش کردہ، بیرون می ریزد۔ روح ایشان، بہ عنوان یک طبقہ، با خدا استوار نیست۔ از میان ما بیرون می روند، زیرا از ما نیستند؛ زیرا چون تنگی یا آزار بہ سبب کلام برخیزد، بسیاری لغزش می خورند۔» Testimonies, volume 4, 89.

» لرزانہ شدن « زمانی پدید می آید کہ حقیقت بہ وسیلہ شیر سبط یہودا از مہر گشودہ شود و سپس عرضہ گردد۔

» از معنای آن غربالگری کہ دیدہ بودم سؤال کردم، و بہ من نشان داده شد کہ آن بہ وسیلہ شہادت صریحی پدید خواہد آمد کہ از مشورت شہد امین و راستین بہ لائودیکیان برخاستہ است۔ این شہادت بر دل پذیرندہ آن اثر خواہد گذاشت و او را بر آن خواہد داشت کہ معیار را برافرازد و حقیقت صریح را اعلام کند۔ بعضی این شہادت صریح را تاب نخواہند آورد۔ آنان در برابر آن برخواہند خاست، و ہمین است آنچه در میان قوم خدا غربالگری پدید خواہد آورد۔» Early Writings, 271

”सत्य“ का सदा परचय है, और, 1989 सत्य जो और, है करता उत्पन्न कम्पन एक ही सदा परचय का” सत्य“ भी उसने, था गया दिया खोल में 1989 सत्य जो और, है करता उत्पन्न कम्पन एक ही सदा परचय का” सत्य“ के 1989 कथा यह एक से में लाभों उसके, गया किया खड़ा प्रतिरोध जो वरिद्ध के सत्य किया। कार्य वही ठीक इन हुआ। विकसित समूह एक का नियमों लिए के करने स्थापति को वृद्धि की ज्ञान में वर्षों वाले आने पश्चात् की बाइबल है। समानान्तर के विकास के समूह एक के नियमों में काल के मलिराइटों, विकास का नियमों है। देते योगदान में स्पष्टता की घटनाओं की दनों अंतिम अनुप्रयोग त्रिगुणति सभी के भवष्यवाणी

کاربردهای سه گانه روم و بابل، رابطه میان زن و آن وحشی را که در طول تاریخ بحران قانون یکشنبه بر آن سوار است و بر آن سلطنت می کند، برقرار می سازد؛ تاریخی که همچنان تاریخ داوری اجرایی خدا بر فاحشه بابل است.

کاربردهای سه گانه «پیام آوری که راه را برای رسول عهد مهیا می سازد»، و نیز «ایلیا»، کار و پیام را در دو دوره ای که پایان زمان آزمایش را در ایام آخر به تصویر می کشند، مشخص می سازد. دوره نخست با نخستین صدا در باب هجدهم مکاشفه آغاز می شود، که نمایانگر آغاز داورى تحقیقى زندگان برای ادونتیسیم لائودیکیه ای است؛ و دوره آخر با دومین صدا در باب هجدهم مکاشفه آغاز می شود، که نمایانگر داورى اجرایی فاحشه بابل است.

تطبیقات سه گانه روم و بابل، تاریخ بیرونی قوم خدا در ایام آخر را نمایندگی می کنند، در حالی که تطبیقات سه گانه ایلیا و آن رسولی که راه را مهیا می سازد، تاریخ درونی قوم خدا در ایام آخر را نمایندگی می کنند. تطبیق سه گانه سه وای، پیامی را مشخص می سازد که در هر دو دوره جریان دارد؛ دوره هایی که با هم، دوره اختتامی داورى را نمایندگی می کنند، داورى ای که از خانه خدا آغاز می شود و پس از آن بر آنان که بیرون از خانه خدا هستند فرود می آید. سه وای مشخص می سازند که اسلام پیام باران آخر است، و نیز ابزار داورى ای است که خدا برای کسانی به کار می برد که پرستش خورشید را بر تمامی نوع بشر تحمیل می کنند. پایان داورى، «ایام انتقام خدای ما» را نمایندگی می کند، هم بر کلیسای مرتد او و هم بر شریران بیرون از کلیسای او.

جب یسوع نے ناصرت کی کلیسیا میں پہلی بار اپنی خدمت کا آغاز کیا تو اُس نے اپنے خطیے، پیغام اور کام کی تعریف کے لیے یسعیاہ کے اکسٹھویں باب کو استعمال کیا، جس میں خدا کے انتقام کے وقت کی نشان دہی بھی شامل تھی۔ اُس کی خدمت، پیغام اور کام ایک لاکھ چوالیس ہزار کی خدمت، پیغام اور کام کا پیش خیمہ تھے، کیونکہ وہ نبوتی طور پر برہ کے پیچھے پیچھے چلتے ہیں جہاں کہیں وہ جاتے۔

رُوح خداوندِ یَہوہ بر من است، زیرا یَہوہ مرا مسح کرده است تا به حلیمان بشارت دهم؛ او مرا فرستاده است تا شکستہ دلان را التیام بخشم، و آزادی را به اسیران ندا دهم، و گشایش زندان را به بندیان؛ تا سال مقبول یَہوہ و روز انتقام خدای ما را اعلام کنم؛ تا همه ماتمیان را تسلی بخشم؛ تا برای ماتمیان صهیون مقرر دارم که به ایشان به جای خاکستر، زیبایی، و به جای ماتم، روغن شادی، و به جای روح افسردگی، ردای حمد عطا شود؛ تا ایشان درختان پارسایی، غرس یَہوہ نامیده شوند، تا او جلال یابد. و ایشان ویرانه های کهن را بنا خواهند کرد، خرابی های پیشین را برپا خواهند ساخت، و شهرهای ویران، یعنی خرابی های نسل های بسیار را مرمت خواهند نمود. و بیگانگان ایستاده، گله های شما را خواهند چرانید، و پسران اجنبی، شخم زنان و تاکبان شما خواهند بود. اما شما کاهنان یَہوہ خوانده خواهید شد؛ مردمان شما را خادمان خدای ما خواهند نامید؛ و شما ثروت امت ها را خواهید خورد، و در جلال ایشان فخر خواهید کرد. اشعیا 61:1-6.

عیسی در هنگام تعمید خویش مسح شد، و آن نشانه راه، یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ را به مثابه نمونه مجسم می سازد؛ زمانی که مسح روح القدس آغاز کرد بر کسانی نازل شود که دریافتند ریزش باران آخر در ایام آخر، به وسیله تاریخ میلری ها تمثیل شده بود؛ همان ویرانه های کهن که یک صد و چهل و چهار هزار نفر، پس از آن که به راه های قدیم ارمیا بازگردند، بار دیگر بنا خواهند کرد.

پیام پارسایی مسیح، برخاسته از شورش ۱۸۸۸، بار دیگر حقیقت حاضر گردید؛ و آن پیام برخاسته از شورش ۱۸۸۸، همان بشارت خوشی بود که قدرت آن را دارد که دل های شکسته را التیام بخشد، اما در گشودن دل های سخت کسانی ناتوان است که چشم دارند تا ببینند، اما ادراک نمی کنند، و گوش دارند تا بشنوند، اما در نمی یابند. پیام پارسایی مسیح، برخاسته از شورش ۱۸۸۸، همچنین همان پیام به لائودیکیه بود که آنگاه بار دیگر فرارسید تا در زندان کسانی را بگشاید که به واسطه آن یگانه ای که قدرت دارد درهایی را بگشاید که هیچ کس نمی تواند بگشاید، و درهایی را ببندد که هیچ کس نمی تواند ببندد، اسیر گناه بودند.

در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، آنان که مأمور بودند آن بشارت‌های نیکو را عرضه کنند، همچنین می‌بایست سال مقبول خداوند و روز انتقام خدا را اعلام نمایند. سال مقبول خداوند نیز در همان زمان آغاز شد، و او تا فرارسیدن روز انتقام خدا در قانون یکشنبه‌ای که به‌زودی در ایالات متحده برقرار خواهد شد، کاملاً مایل است توبه یک لائودیکه‌ای را بپذیرد. آنگاه انتقام او بر کلیسایی که نخواست زمان تفقد خود را بشناسد آشکار خواهد شد، و هم‌زمان داوری تدریجی بر فاحشه بابل آغاز می‌گردد.

در روز مقبولیت او، وعده می‌دهد که جمیع ماتمیان را تسلّی بخشد، و آنان که در اورشلیم ماتم می‌کنند در باب نهم حزقیال به تصویر کشیده شده‌اند. تسلّی ایشان به واسطه تسلّی‌دهنده تحقق می‌یابد، از طریق دریافت پیام باران آخر که در آن هنگام بر ایشان فرو ریخته می‌شود. اما تنها در صورتی که باران را تشخیص دهند. هنگامی که تسلّی‌دهنده را در اختیار داشته باشند، و کار بنای خرابه‌های قدیم را به انجام رسانند، از طریق روش «سطر بر سطر»، که در فقره اشعیا به‌صورت کار نهادن خط نبوت که نمایانگر ویرانی تاریخ مقدس است، بر خط دیگری از نبوت که ویرانی‌ای را به تصویر می‌کشد، ترسیم شده است، آنگاه ویرانی‌های نسل‌های بسیار را برپا می‌سازند. سپس «بیگانگان» به آنان که ماتم می‌کنند، و همچون علّمی برافراشته می‌شوند تا بیگانگان آن را ببینند، پاسخ خواهند داد.

اعلان مسیح از کار و خدمت خویش، چنان‌که در فصل شصت‌ویکم اشعیا بیان شده است، همان کار و خدمت یک‌صد و چهل‌وچهار هزار است. این کار در جنبش‌های مقدس اصلاحی به تصویر کشیده شده است، و در سال ۱۹۸۹، زمان آخر فرا رسید؛ همان زمانی که همه «زمان‌های آخر» پیشین، پیش‌نمون آن بوده‌اند. همان‌گونه که یک آیه، یعنی دانیال فصل هشت، آیه چهارده، به‌عنوان بنیاد و ستون مرکزی جنبش میلری شناخته شد، آیه‌ای که بنیاد و ستون مرکزی جنبش Future for America است، دانیال فصل یازده، آیه چهل است. برای میلری‌ها، نور ستون مرکزی به‌عنوان نور رؤیای نهر اولای معرفی شده بود، و برای جنبش Future for America، نور ستون مرکزی به‌عنوان نور رؤیای نهر حدّقل معرفی شده بود.

«نوری که دانیال از خدا دریافت کرد، به‌ویژه برای این ایام آخر عطا شد. رؤیاهایی که او بر کرانه‌های اولای و حدّقل، آن نهرهای بزرگ شنعار، دید، اکنون در حال تحقق‌اند، و همه رویدادهای پیشگویی‌شده به‌زودی واقع خواهند شد.» Testimonies to Ministers, 112.

نور هر دو رؤیایی که به‌وسیله دو نهر نمادپردازی شده‌اند، به یکدیگر پیوسته است و در ایام آخر تحقق می‌یابد. «پیوند» متقابل آن‌ها نمایانگر اتحاد انسانی و الهی است؛ همان پیامی که خواهر وایت مکرراً آن را به‌عنوان پیام مسیح معرفی می‌کند، در آن زمینه که انسانیت متحد با الوهیت گناه نمی‌کند. آن دو نهر دقیقاً نمایانگر همین پیوند هستند.

«کمتر از اطاعت کامل نمی‌تواند معیار خواست خدا را برآورده سازد. او خواسته‌های خود را نامعین وانگذاشته است. او هیچ امری را واجب نکرده است مگر آنچه برای آوردن انسان به هماهنگی با او ضروری است. ما باید گناهکاران را به سوی آرمان منش او راهنمایی کنیم و ایشان را به مسیح رهنمون شویم، که تنها به‌وسیله فیض اوست که می‌توان به این آرمان دست یافت.»

نجات‌دهنده ضعف‌های بشریت را بر خود گرفت و زندگی بی‌گناهی زیست، تا انسان‌ها هیچ بیمی نداشته باشند که مبادا به سبب ضعف طبیعت انسانی نتوانند غالب آیند. مسیح آمد تا ما را «شریکان طبیعت الهی» گرداند، و زندگی او اعلام می‌دارد که انسانیت، چون با الوهیت متحد شود، گناه نمی‌کند.

“نجات‌دهنده غلبه یافت تا به انسان نشان دهد چگونه می‌تواند غلبه یابد. مسیح با همه وسوسه‌های شیطان به‌وسیله کلام خدا روبه‌رو شد. با اعتماد به وعده‌های خدا، او قوت یافت تا از

احکام خدا اطاعت کند، و وسوسه گر هیچ برتری ای نتوانست به دست آورد. در برابر هر وسوسه، پاسخ او این بود: «مکتوب است.» پس خدا کلام خود را به ما عطا کرده است تا به وسیله آن در برابر شر مقاومت کنیم. وعده های بسیار عظیم و گران بها از آن ماست، تا به وسیله اینها «شریک طبیعت الهی گردیم، چون از فسادى که در جهان از شهوت است رهایی یافته ایم.» Peter 1:4 2.

«بگذارید آن که در معرض وسوسه است، نه به اوضاع و احوال، نه به ضعف خویشتن، و نه به قدرت وسوسه بنگرد، بلکه به قدرت کلام خدا نظر بدوزد. تمامی قوت آن از آن ماست. مزمور نویس می گوید: "کلام تو را در دل خود پنهان داشته ام، تا به تو گناه نورزم." "به کلام لب های تو خویشتن را از راه های هلاک کننده نگاه داشته ام." مزمور 119:11؛ 17:4. خدمت شفا، 181.

افزایش معرفت در سال های ۱۷۹۸ و ۱۸۸۹، نمایانگر گشوده شدن کلام نبوی خدا بود. کلام او قدرت غلبه کردن را، همان گونه که او غلبه کرد، فراهم می سازد، و «زندگی او اعلام می دارد که انسانیت، در اتحاد با الوهیت، گناه مرتکب نمی شود.» رؤیای نهر اولای، رؤیای marah از ظهور اوست، که به وسیله نبوت دو هزار و سیصد روز نمایانده شده است. رؤیای نهر حدّاقل، رؤیای chazon از تاریخ نبوی است، که به وسیله نبوت دو هزار و پانصد و بیست سال نمایانده شده است. رؤیای marah نمایانگر الوهیت است و رؤیای chazon نمایانگر انسانیت.

هر دو رود شینعار باستان، یعنی اولای و حدّکل، یا آنچه امروز به نام دجله و فرات شناخته می شود، سرانجام در آبراه شطّ العرب در جنوب عراق به هم می پیوندند، و شطّ العرب سپس به خلیج فارس می ریزد. عیسی از امور جسمانی و طبیعی برای نمایاندن امور روحانی بهره می گیرد، و رؤیاهای مربوط به آن دو رود که اکنون در فرایند تحقق یافتن اند، بیانگر پیوندی میان انسانی و الهی هستند که در هنگام رسیدن ایشان به پایان مسیرشان به سوی دریا رخ می دهد. این حقیقت در آغاز آن دو نبوت که به وسیله دو رؤیای دانیال، باب هشت، آیات سیزده و چهارده، نمود یافته اند، تثبیت می شود. یک رؤیا پرسش است، و دیگری پاسخ؛ و از نظر منطقی نمی توان آن دو را از یکدیگر جدا ساخت.

انسانیت کا رؤیا، جو مقدّس اور لشکر کے پامال کیے جانے کی نشان دہی کرتا ہے، سنہ 677 ق م میں شروع ہوا، اور الوہیت کا رویا، جو مسیح کے ظہور کی نشان دہی کرتا ہے، سنہ 457 ق م میں شروع ہوا۔ الوہیت اور انسانیت کا باہمی ربط اُن دو سو بیس برسوں سے ظاہر کیا گیا ہے، جو ان دونوں رویاؤں کے دو نقطہ ہائے آغاز کو باہم ملاتے ہیں۔ دو سو بیس "انسانیت کے الوہیت کے ساتھ ربط" کی ایک علامت ہے، اور یہی امر اُس ربط کے ذریعے بھی ظاہر کیا گیا ہے جو سنہ 1798 میں زمانہ آخر میں علم کے بڑھنے اور سنہ 1989 میں زمانہ آخر میں علم کے بڑھنے کے درمیان پایا جاتا ہے۔

پیام صورت بندی شدہ ای کہ از افزایش معرفت در ۱۷۹۸ حاصل شد، نخستین بار به وسیله میلر در ۱۸۳۱ عرضه گردید (و سپس در روزنامه Vermont Telegraph در ۱۸۳۳). سال ۱۸۳۱ دوپست و بیست سال پس از انتشار کتاب مقدس کینگ جیمز در سال ۱۶۱۱ است. کتاب مقدس کینگ جیمز نمایانگر سندی دوسوبه از عهد عتیق و عهد جدید بود. آغاز و انجام آن دوپست و بیست سال، انتشاری الهی را با انتشاری انسانی «پیوند» داد. اطلاعات این انتشار انسانی از نور الهی ای برگرفته شده بود که در زمان آخر، در ۱۷۹۸، از مهر گشوده شد، و سپس از طریق کار ابزاری انسانی که در ۱۸۳۱ آغاز به انتشار آن کرده بود، صورت بندی گردید. این یک انتشار الهی بود، با پیامی که به طور الهی مهر شده بود، که بعدتر به وسیله بشریت از مهر گشوده شد، و پس از آن به وسیله ابزاری انسانی ارائه گردید. واژه عبری ای که در کلام خدا به «publish» ترجمه شده است، به این معناست: ندا دادن، فریاد برآوردن (به سوی)، (مشهور) بودن، مهمان، دعوت کردن، ذکر کردن، نام نهادن، موعظه کردن، اعلام کردن، بر زبان راندن، منتشر کردن. میلر در ۱۸۳۱ انتشار پیام خود را آغاز کرد، و سپس در ۱۸۳۳ آن پیام به طور تحت اللفظی در Vermont Telegraph منتشر شد.

پیام صورت‌بندی‌شده‌ای که از افزایش معرفت در سال 1989 حاصل شد، نخستین بار در سال 1996 (در مجله The Time of the End) منتشر گردید، دویست و بیست سال پس از انتشار آن دو سند مقدس که به نام Declaration of Independence در 1776 (و پس از آن Constitution of the United States در 1789) شناخته می‌شوند. آغاز و پایان این دویست و بیست سال، الوهیت را با انسانیت پیوند می‌دهد، و این پیوند از طریق انتشار آن دو سند الهی، از 1776 آغاز می‌شود. هنگامی که کتاب دانیال در وقت آخر در سال 1989 مهرگشایی شد، آن پیام صورت‌بندی‌شده که از طریق کار یک ابزار انسانی پدید آمده بود، در سال 1996 منتشر گردید. توالی چنین بود: نخست یک انتشار الهی، سپس مهرگشایی، و آنگاه یک انتشار انسانی.

در هر دو زمان آخر، سه گام حقیقت مشخص شده است. هر دو با یک نشریه الهی به‌عنوان گام نخست آغاز می‌شوند، و نشریه‌ای انسانی که پیامی الهی را توضیح می‌دهد، گام آخر است. گام میانی هنگامی است که شیر قبیله یهودا پیام الهی را برای آن تاریخ خاص مهرگشایی می‌کند، و سپس ابزاری انسانی را برمی‌گزیند تا نوری را که از آن سند الهی مهرگشایی شده است، گرد آورد. هنگامی که مهرگشایی روی می‌دهد، عصیان از سوی شریبان که افزایش دانش را درک نمی‌کنند، آشکار می‌گردد. از این‌رو، یک نشریه الهی با نخستین حرف الفبای عبری نمایش داده می‌شود، افزایش دانش با سیزدهمین حرف که در آن عصیان آشکار می‌گردد نمایش داده می‌شود، و نشریه انسانی پیام ویژه الهی برای آن تاریخ، آخرین حرف الفبای عبری است؛ و این سه حرف در کنار هم «حقیقت» معنا می‌دهند.

رؤیاهای نهرهای اولای و حدّاقل که اکنون در حال تحقیق‌اند، آشکار می‌سازند که در ایام آخر، فزونی معرفت از هر دو نهر به هم می‌پیوندد تا ثابت کند که الوهیت متحد با انسانیت گناه نمی‌کند. دانیال در کنار نهر اولای آن رؤیا را دریافت کرد که ظهور مسیح را در پایان نبوت دو هزار و سیصد ساله در سال 1844 مجسم می‌سازد.

و من در رؤیا دیدم؛ و چنین واقع شد که چون دیدم، در شوشن قصر بودم که در ولایت عیلام است؛ و در رؤیا دیدم که نزد نهر اولای بودم. دانیال ۸:۲.

دانیال رؤیایی را دریافت کرد که نمایانگر رؤیای دو هزار و پانصد و بیست سال تاریخ نبوی است، در حالی که کنار رود حدّقل بود.

و در روز بیست و چهارم ماه اوّل، چون در کنار آن نهر عظیم، یعنی حدّقل، بودم. دانیال ۱۰:۴.

جبرائیل نے اس کے بعد آیت چودہ میں دریائے حدّقل کے چارون رویا کے مقصد کی نشان دہی کی۔

اکنون آمده‌ام تا تو را از آنچه در ایام آخر بر قوم تو واقع خواهد شد آگاه سازم؛ زیرا این رؤیا هنوز برای روزهای بسیار است. دانیال ۱۰:۱۴.

رؤیایی که نزد نهر اولای عطا شد، «ظهور» مسیح را شناسایی می‌کند، (الوهیت او را) آنگاه که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ ناگهان به هیکل خود آمد. این رؤیا نمایانگر ورود «الوهیت» به هیکل میلری‌ها (انسانیت) در آن تاریخ برای روز کفار بود؛ و معنای روز کفار، یعنی روز «یگانگی»، نمایانگر امتزاج الوهیت با انسانیت است. رؤیایی که نزد نهر حدّاقل عطا شد، آنچه را که در ایام آخر بر قوم خدا (انسانیت) واقع خواهد شد، شناسایی می‌کند.

آغاز رؤیای «منظر» در سال ۴۵۷ پیش از میلاد بود. این زمان، دویست و بیست سال پس از دوره نبوی مشخص‌کننده پایمال شدن مقدّس و لشکر بود که در سال ۶۷۷ پیش از میلاد آغاز شد. پایان آن دویست و بیست سالی که در نقطه آغاز آن دو رؤیا به یکدیگر پیوسته بودند، به وسیله شگفت‌انگیز

شمارنده مشخص گردید؛ او کہ در حقوق ۲:۲۰ ہمچنین شگفت‌انگیز زبان‌شناس است.

اما خداوند در ہیکل مقدس خویش است؛ تمامی زمین پیش روی او خاموش باشد. حقوق ۲:۲۰.

پیوستگی انسانیت و الوہیت کہ در آغاز، بہ وسیلہ نقطہ‌ہای شروع آن دو نبوت نمایان شدہ بود، در پایان‌ہای متقابل آن‌ہا، بہ واسطہ باب و آیہ‌ای کہ ظہور الوہیت را توصیف می‌کرد—الوہیتی کہ ناگہان بہ ہیکلی کہ او در طی چہل‌وشش سال، از زمان پایان در ۱۷۹۸ آغاز شدہ و چہل‌وشش سال بعد، در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، بہ انجام رسیدہ بود، بنا کردہ بود—تشخیص دادہ شد.

آیا نمی‌دانید کہ شما ہیکل خدا ہستید و روح خدا در شما ساکن است؟ اگر کسی ہیکل خدا را فاسد سازد، خدا او را ہلاک خواہد کرد؛ زیرا ہیکل خدا مقدس است، و آن ہیکل شما ہستید. اول قرنتیان ۳:۱۶، ۱۷.

در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، مطابق با رؤیای «ظہور»، حقوق تشخیص داد کہ خداوند در ہیکل مقدس خویش است. او ہیکلی را کہ بہ مدت دو ہزار و پانصد و بیست سال ویران و پامال شدہ بود، در چہل و شش سال برپا کردہ بود.

و بہ او خطاب کردہ، بگو: «یہوہ صباوت چنین می‌فرماید: اینک آن مردی کہ نامش شاخہ است؛ و او از جای خویش خواہد رویید، و ہیکل یہوہ را بنا خواہد کرد. آری، او ہیکل یہوہ را بنا خواہد کرد؛ و او جلال را بر خود حمل خواہد نمود، و بر تخت خویش خواہد نشست و سلطنت خواہد کرد؛ و بر تخت خویش کاہن خواہد بود؛ و مشورت سلامت در میان آن ہر دو خواہد بود. و آن تاج‌ہا برای حیلیم و طوبیا و یدعیا و حین پسر صفنیا، بہ عنوان یادبودی در ہیکل یہوہ خواہد بود. و آنان کہ دور ہستند خواہند آمد و در ہیکل یہوہ بنا خواہند کرد، و شما خواہید دانست کہ یہوہ صباوت مرا نزد شما فرستادہ است. و این واقعہ خواہد شد، اگر آواز یہوہ خدای خود را بہ دقت اطاعت نمایند.» زکریا ۶:۱۳-۱۵.

در یوحنا ۲:۲۰، پس از آن کہ مسیح ہیکل را تطہیر کرد، کہ بنا بر گفتہ خواہر وایت، تحقق باب سوم ملاکی بود، همان‌گونہ کہ ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ نیز چنین بود، رسول عہد ناگہان بہ ہیکل خود آمد.

عیسی در پاسخ بہ ایشان گفت: «این ہیکل را ویران کنید، و من در سہ روز آن را برپا خواہم کرد.» آنگاہ یہودیہان گفتند: «ساختن این ہیکل چہل و شش سال بہ طول انجامیدہ است، و تو آن را در سہ روز برپا خواہی کرد؟» اما او دربارہ ہیکل بدن خود سخن می‌گفت. یوحنا ۲:۱۹-۲۰.

ملاکی باب ۳ کی تکمیل میں، مسیح اچانک اپنے ہیکل میں آیا جب اُس نے اپنی خدمت کے آغاز میں یوحنا باب ۲ میں ہیکل کو پاک کیا، جو ۲۲ اکتوبر ۱۸۴۴ کی تمثیل تھا۔ یوحنا باب ۲ میں مسیح کے ذریعے ہیکل کی تطہیر، اور ۲۲ اکتوبر ۱۸۴۴، ملاکی باب ۳ کی تکمیل تھی۔ یوحنا باب دو اور آیت بیس میں ہمیں بتایا جاتا ہے کہ انسانی ہیکل چھیالیس برس میں تعمیر کیا گیا، اور الہی ہیکل تین دن میں کھڑا کیا گیا۔ انسانی ہیکل فقط اسی وقت حقوق کے "مقدس ہیکل" بنتا ہے جب الوہیت اچانک اُس میں آتی ہے، جیسا کہ ۲۲ اکتوبر ۱۸۴۴ کو ہوا، کیونکہ الوہیت جب انسانیت کے ساتھ متحد ہوتی ہے تو گناہ نہیں کرتی۔ شنعار کے دو عظیم دریاؤں کے رویا انسانیت اور الوہیت کے اتحاد کی اس حقیقت کی نمائندگی کرتے ہیں کہ انسانیت جب الوہیت کے ساتھ متحد ہو تو گناہ نہیں کرتی۔

در مقالہ بعدی بہ بررسی خود از آیہ چہل فصل یازدہم دانیال ادامہ خواہیم داد.

شما نیز، چون سنگ‌ہای زندہ، بنا نہادہ می‌شوید تا خانہ‌ای روحانی و کھانتی مقدس باشید، تا قربانی‌ہای روحانی را کہ بہ واسطہ عیسی مسیح نزد خدا پذیرفتہ است، تقدیم کنید. اول پطرس